

نقش دین در ضرورت بخشی به حیات طیبه

فاطمه مخلص آبادی فراهانی، ساره شیخی، بهدخت ذوقی^۱

استاد راهنما: حجت الاسلام و المسلمین محمود گروسی

چکیده

دین به معنای اطاعت و گرایش است و دین اسلام به معنی تسلیم و اطاعت در برابر حقیقت کامل است. دین نوعی هدایت است که انسان را از گمراهی و بدبختی مصونیت می‌دهد. این هدایت شرایط و مقدماتی دارد که معرفت پایه اساسی آن است. برای رسیدن به حیات طیبه ایمان و عمل صالح نیاز است که دارای دو رکن است. حسن فعلی و حسن فاعلی و همراه با ولایت‌مداری حاصل و با غفلت از یاد خدا از انسان گرفته می‌شود.

واژگان کلیدی: نقش، دین، حیات طیبه.

معنای لغوی دین

^۱ فاطمه مخلص آبادی فراهانی، طلبه سطح ۳، رشته علوم و تفسیر قرآنی موسسه عالی حوزوی قزوین. ساره شیخی، طلبه سطح ۳، رشته علوم و تفسیر قرآنی موسسه عالی حوزوی قزوین، nazanin.fatima@yahoo.com. بهدخت ذوقی، طلبه سطح ۳، رشته علوم و تفسیر قرآنی موسسه عالی حوزوی قزوین.

واژه «دین» در لغت به معانی گوناگونی از جمله جزا، اطاعت، قهر و غلبه، عادت، انقیاد، خضوع، پیروی و مانند آنها آمده است. در قرآن کریم نیز آیاتی وجود دارد که از آنها، معنای جزا، شریعت و قانون، طاعت و بندگی استنباط می‌شود.^۱

همین موارد استعمال واژه «دین» در قرآن می‌تواند به عنوان راهی برای شناسایی و به دست آوردن تعریف دین از دیدگاه اسلام شمرده شود. با این دقت، در خواهیم یافت که «دین عبارت است از اطاعت، گرایش، فرمانبرداری و تسلیم در برابر حقیقت» که در این صورت، با معانی لغوی نیز سازگاری بسیاری دارد.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد: «لایدینون دین الحق، ای لایطیعون: از دین حق پیروی نمی‌نمایند و به آن گرایش ندارند و یا آن را دین حق تلقی نمی‌کنند (ای لا یاخذونه)»^۲

تعریف دین از نظر اسلام را می‌توان از موارد استعمال اسلام در قرآن نیز به دست آورد. "اسلام" نیز به معنی تسلیم و اطاعت است و این از آن جهت است که اسلام به معنای اصطلاحی (دینی که به وسیله محمد -صلی الله علیه و آله و سلم- ابلاغ شده) نیز بشریت را به تسلیم و

^۱ ر. ک. به: بیوک عزیزاده، حیات تعقلی اسلام، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۶۶ و ۷۰ و ۷۲

^۲ به نقل از: یادنامه استاد مطهری، ص ۱۱۷

اطاعت در برابر حقیقت کامل منحصر به فرد دعوت می‌نماید. این نکته از آیاتی که دین تمام پیامبران را اسلام معرفی کرده نیز استفاده می‌شود.^۱

اصحاب معاجم در معانی ریشه لغوی «اسلام» بر مفاهیم تسلیم و خضوع، سلامت و توافق تأکید کرده‌اند و این مفاهیم نیز در معنای اصطلاحی «اسلام» اخذ شده است.^۲ با توجه به توضیحاتی که داده شد در معنای اصطلاحی «دین» چنین آمده است:

«دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها باشد.»^۳

در تعریف مشابه و متداول^۴ دیگری «دین برابر است با اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید.»^۱

^۱ همان.

^۲ برای توضیح بیشتر رک: بیوک علیزاده، پیشین، ص ۸۷.

^۳ عبدالله جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۳، ص ۹۳ - ۹۵؛ در قسمت دیگری از این کتاب (ص ۱۵۷) آمده است: «... با اثبات دین به عنوان مجموعه قوانین و مقررات ثابتی که مبین انسان و جهان و پیوند میان آن دو است، نقش دین نسبت به جمیع معارف و علوم آشکار می‌گردد».

^۴ نمونه‌ای از تعاریف مشابه عبارت است از:

«کلمه دین به مجموعه‌ای از عقاید، اخلاقیات، احکام و قوانین فردی و اجتماعی اطلاق می‌شود و ادیان آسمانی آیین‌هایی هستند که از طرف خدای متعال به پیغمبران وحی شده‌اند.» (محمدتقی مصباح، ایدئولوژی تطبیقی، ص ۱۳) دین عبارت از نظام اعتقادی، عملی و اخلاقی به هم پیوسته‌ای است که از جانب خدا بر پیامبران

در تلخیصی از کلام علامه طباطبائی چنین آمده است که: «دین نظام عملی مبتنی بر اعتقاد است که مقصود از اعتقاد در این مورد تنها علم نظری نیست (هر چند علم نظری برای آن نیز ضرورت دارد)؛ زیرا علم نظری به تنهایی مستلزم عمل نیست، بلکه مقصود از اعتقاد، علم به وجوب پیروی بر طبق مقتضای علم قطعی است.^۲»^۳

از مطالعه آیات قرآن به دست می‌آید که دین نوعی هدایت است. چنان‌که می‌فرماید:

«فاما یاتینکم منی هدی فمن تبع هدای فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون؛ اگر از جانب من هدایتی برای شما آمد، پس آن‌کس که هدایت مرا پیروی کند، بر آنان بیمی نیست و نه آنان محزون خواهد بود.»^۴

نظیر این آیه در آیه ۱۲۳ سوره طه نیز آمده و در آن آیه نتیجه پیروی از هدایت الهی را مصونیت از گمراهی و بدبختی (ضلالت و شقاوت) دانسته است.

وحی شده است تا مردم را بر آن اساس، ارشاد و راهنمایی نمایند.» (محمد جواد باهنر، معارف اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۷۰).

^۱ ر. ک. به: محمدتقی مصباح، آموزش عقاید، ج ۱، ص ۲۸.

^۲ محمدحسین طباطبائی، المیزان، بنیاد علمی و فکری علامه، بیست جلدی، ج ۱۵، ص ۸ (به نقل از: یادنامه استاد مطهری، ص ۱۱۷)؛ و نیز ر. ک. به: محمدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۲۲، ص ۱۲ نکات روشنگری دارد.

^۳ سید حسین حسینی، مقاله: دین در بستر دیدگاه‌ها، منبع: فصلنامه معرفت شماره ۲۰، www.balagh.net/persian/kalam/index.ht

^۴ سوره بقره (۲): ۳۸.

این دو آیه پس از آیات مربوط به خلقت آدم و خروج او از بهشت و هبوط به زمین است. از این جا روشن می شود که مقصود از هدایت، هدایت غریزی و حتی هدایت عقلی نیست، بلکه هدایت شرعی و دینی است که از طریق وحی تشریعی به آدم و نسل او خواهد رسید. هدایت دینی بر پایه اختیار استوار است، چنان که اختیار با عقل و اراده عقلانی ملازمه دارد، از این روی، به عنوان اصلی ترین شرط تکلیف دینی شناخته شده است، و هم از این روی است که موجوداتی که از عقل و اختیار بهره ای ندارند، تکلیف دینی نیز ندارند، رابطه هدایت دینی با اختیار در آیات بسیاری از قرآن بیان شده است که دو نمونه را یادآور می شویم:

«انا خلقنا الانسان من نطفه امشاج نبتليه فجعلناه سميعا بصيرا انا هديناه السبيل اما شاكرا و اما كفورا؛ ما انسان را از نطفه ای مختلط آفریدیم، آن گاه او را شنوا و بینا ساختیم، ما راه را به او نشان دادیم، یا شکرگزار است یا کفران کننده»^۱

بدیهی است هدایت شرایط و مقدماتی دارد که معرفت از مهم ترین و اساسی ترین آن ها است، یعنی انسان برای آن که از هدایت دینی بهره مند گردد باید از جهان بینی استواری برخوردار باشد. این جهان بینی از اضلاع و ابعاد زیر تشکیل می گردد:

۱. شناخت خدا و صفات جمال و جلال او؛

^۱ سوره انسان (۷۶): ۳۲.

برخورداری از مواهب الهی، آمرزش گناهان، وفور نعمت، دفع بلیات، توفیق عبادات، حفظ از خطرات، آسانی حساب، عبور از صراط و دخول در بهشت اطلاق شده است.^۱

علامه طباطبائی رحمت الهی را افاضه الهی می‌داند که انسان به واسطه آن، فیض شایستگی و آمادگی دخول در رحمت الهی را می‌یابد^۲ و به واسطه برخورداری از رحمت رحیمی پروردگار، به نهایت کمال خویش می‌رسد.

موانع رسیدن به حیات طیبه

موانع رسیدن به حیات طیبه برای انسان‌ها با توجه به شأن و درجه معنوی شان متفاوت است. به نظر می‌آید که مسئله غفلت از یاد خداوند، مهم‌ترین مانع در طریق دستیابی به حیات طیبه باشد؛ زیرا غفلت از یاد خداوند باعث اقبال انسان به دنیا و دلبستگی به آن می‌شود: «فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا؛ حال که چنین است از کسی که از یاد ما روی می‌گرداند و جز زندگی مادی دنیا را نمی‌طلبد، اعراض کن.»^۳ حب دنیا کم باعث فراموش شدن یاد مرگ و حیات آخرت می‌شود: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأْنَنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ؛ آنها که ایمان به ملاقات ما (و روز رستاخیز) ندارند، و به زندگی دنیا خشنود شدند

^۱ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۲۸۳؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۱۲۷.

^۲ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۱۷۹

^۳ غافر: ۲۹

و بر آن تکیه کردند، و آنها که از آیات ما غافلند.^۱ انسان با فراموشی این مهم، و غفلت از یاد حق، پای در مسیر اشتباه می‌گذارد و به جای پیروی از خداوند، پیرو هوای نفس خویش می‌شود: «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ؟ آيا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند او را با آگاهی (بر اینکه شایسته هدایت نیست) گمراه ساخته و بر گوش و قلبش مُهر زده و بر چشمش پرده‌ای افکنده است؟ با این حال، چه کسی می‌تواند غیر از خدا او را هدایت کند؟ آيا متذکر نمی‌شوید؟»^۲

این دسته از انسان‌ها با حذف محوریت خدا در زندگی خویش، و رجوع به جنبه حیوانی خود، قابلیت بازتاب صفات پروردگاری را از دست داده، و با تجاوز از حد بشریت، که خلیفه الهی است، هویت خویش را تباه می‌کنند.^۳

نتیجه گیری

۱. برای رسیدن به یک حیات پاک نیازمند داشتن ایمان و عمل صالح هستیم.
۲. ایمان و عمل صالح با تسلیم و اطاعت در برابر خداوند حاصل می‌شود.
۳. خداوند تمامی انسان‌ها را به سوی حیات طیبه هدایت می‌کند.

^۱ یونس: ۷

^۲ جاثیه: ۲۳

^۳ پرچم، ۱۳۸۷.

۴. نوعی از هدایت، دین است که انسان را از گمراهی و بدبختی به سوی زندگی پاک رهنمون می‌شود.

۵. برای برخورداری از دین و رسیدن به حیات طیبه ولایت و ولایت‌مداری دو گام اساسی است.

۶. یکی از موانع ولایت‌مداری غفلت از یاد خداوند است.

۷. دین برای رسیدن به حیات طیبه بر طبق قاعده لطف ضروری و لازم است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
 - مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، ج ۲، بیروت، دارالصادر.
 - ۲- احیای تفکر اسلامی.
 - ۳- باهنر، محمدجواد، معارف اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.
 - ۴- پرچم، ۱۳۸۷.
 - ۵- جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۲۲.
 - ۶- جوادی آملی، ۱۳۷۵، ج ۱.
 - ۷- جوادی آملی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۱۳.
 - ۸- جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۳.
 - ۹- حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۸.
 - ۱۰- حسینی، سید حسین، مقاله: *دین در بستر دیدگاه‌ها*، منبع: فصلنامه معرفت شماره ۲۰، www.balagh.net/persian/kalam/index.htm.
 - ۱۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، الدارالعلم راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱.
 - ۱۲- ربانی گلپایگانی، علی، مقاله: *ضرورت و رسالت دین*، منبع: ماهنامه پیام حوزه شماره ۱۵، <http://www.balagh.net/persian/kalam/index.htm>.
 - ۱۳- طباطبائی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱ و ۷ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۸، بنیاد علمی و فکری علامه، بیست جلدی، ج ۱۵. طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین.

۱۴- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷، *جوامع الجامع*، تهران و قم، دانشگاه تهران و مرکز

مدیریت حوزه علمیه.

۱۵- -----، ۱۳۷۲، *مجمع البيان فی تفسیر القرآن*، ج ۲ و ۷، تهران، ناصر

خسرو.

۱۶- طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰ و ۱۲، ص ۲۹۵.

۱۷- علیزاده، بیوک، *حیات تعقلی اسلام*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.

۱۸- مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۳، ح ۱۹.

۱۹- مجله حصون بهار ۱۳۸۷، شماره ۱۵ ولایت و ولایتمداری از دیدگاه شهید مطهری

۲۰- مصباح، محمدتقی، *آموزش عقاید*، ج ۱.

۲۱- مصباح، محمدتقی، *ایدئولوژی تطبیقی*.

۲۲- مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۲.

۲۳- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، ج ۱۰ و ۱۲ و ۲۰ و ۲۱، ۱۳۷۴.

۲۴- سخنرانی حجت الاسلام ماندگاری <http://vareth.ir> جشن ولادت امام هادی - علیه

السلام - فاطمیه تهران، ۲۷ شهریور ۱۳۹۵.